

بررسی تاثیر باورهای مذهبی بر ادبیات مشاهیر و مفاخر خراسان

لیلا دهقان زاد

نویسنده مسئول، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران

چکیده

هدف از نوشتن این مقاله، بررسی و تحلیل تاثیر باورهای مذهبی بر ادبیات مفاخر و مشاهیر خراسان است. در عرصه ادبیات فارسی این تاثیر به وضوح دیده می شود و بسیاری از شاعران بزرگ ایران به صورت عام و خراسان به صورت خاص مانند فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، جامی و دیگران در شعر و نیز نویسندگان مشهوری چون بیهقی، هجویری، خواجه نصیر، نصراله منشی، ابن حسام، باذل مشهدی و ... در نثر خود، از مضامین و عناصر دینی، برای تبیین اندیشه خود بهره برده اند و خود را به یک فرقه خاص محدود نموده اند، البته در این راستا شاعرانی نیز وجود دارند که از عقاید و مذهب خود در شعر بهره برده اند؛ مانند ناصر خسرو. در این مقاله، به بررسی آثار این بزرگان و مفاخر خراسان و نمونه هایی از تجلی و حضور مفاهیم دینی در اشعار و نوشته های آن ها می پردازیم. نتیجه حاصل از این پژوهش نشان می دهد که مفاخر و مشاهیر خراسان تاثیر بسزایی در گسترش باورهای دینی در ادبیات فارسی داشته اند و به همین دلیل است که منطقه خراسان در ادبیات فارسی جایگاه والایی دارد و شاعران و نویسندگان بزرگ ایران از ابتدای تکوین زبان فارسی تا به امروز متاثر از فرهنگ و تمدن خراسان بزرگ بوده اند.

واژه های کلیدی: مفاخر و مشاهیر، خراسان بزرگ، ادبیات فارسی، باورهای مذهبی، نظم و نثر.

مقدمه

مهم‌ترین عناصر دینی و معنوی در ادبیات، حضور خداوند، نوع نگاه و تلقی خاص از مرگ، آفرینش و مباحث مربوط به هستی‌شناسی، قضا و قدر الهی، آخرت‌گرایی، بهشت و جهنم، و باورهای دینی نظیر نماز، معاد، آمرزش گناهان، شفاعت، قرآن، معراج، شب قدر، واقعه عاشورا، عید فطر و قربان، ملائکه و شیطان، ظهور و مهدی منتظر، آخرالزمان و... است. در واقع ایمان و عقیده دینی هر فردی محرک و جهت‌دهنده او در همه یا بخشی از عمل‌کردهای روزانه زندگی اوست و این امر اختصاص به حوزه تکالیف دینی ندارد، بلکه تمامی جنبه‌ها و ابعاد زندگی او را از برخورد با خود، خانواده، خویشاوندان و کلیه انسان‌ها در بر می‌گیرد.

با توجه به این که موضوع پژوهش مورد نظر ما در این مقاله، بررسی باورهای دینی در ادبیات منطقه خراسان است، بنابراین موضوع ما در حیطه ادبیات دینی یا مذهبی قرار می‌گیرد. ادبیاتی که پیشینه‌ای به قدمت تمدن و فرهنگ بشری دارد. هرچند بنیاد و زیرساخت این گونه ادبی به مفهومی که امروزه به ذهن متبادر می‌گردد، در گذر زمان و به تدریج قوام یافته است. در ایران نیز قدمت ادبیات دینی، به زمان‌های بسیار کهن می‌رسد.

و اما درباره تعریف ادبیات دینی باید اذعان داشت که تعریف مشخصی از ادبیات دینی تاکنون ارائه نشده است. با این حال، ادبیات دینی به آثار مکتوبی اطلاق می‌گردد که بیانگر دیدگاه و آراء، و منعکس‌کننده مضامین کتب الهی و تاریخ پیامبران باشند. ادبیات دینی، علی‌رغم اینکه در مجموع بسیار پُر بار بوده، در گذر زمان و با روی کار آمدن هر حکومت، دچار فراز و نشیب‌های بسیار شده است. در عین حال که این ادبیات، پس از ورود اسلام، آن‌چنان که سایر گونه‌های ادبی دچار انحراف شدند، به بیراهه نرفت. گمان می‌رود ادبیات مذهبی باید به گونه‌ای تدوین و خلق گردد که جهانشمول باشد؛ به عبارت دیگر، به اقتضای یک دوره خاص، تولید نشده باشد. این ادبیات، باید پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم در جوامع گوناگون باشد. از این رو، توقع می‌رود که نویسندگان بسیار زبردست و توانمند، که هم بر تکنیک و هم مضمون احاطه داشته باشند، به این وادی گام نهند.

باید به این مسئله توجه داشت که در کتب الهی همچون قرآن کریم، مباحث مختلفی چون تاریخ، مسائل متفاوت زندگی، نوع و بینش انسان در تقابل با جهان هستی، روانشناسی، سیاست، اعتقاد... مطرح است. از این رو، ادبیاتی که قرار است نمایشگر چنین گستره‌ای باشد، باید بسیار منعطف باشد؛ و می‌تواند قلمرو وسیعی را تحت نظارت خود داشته باشد.

از طرفی هر مقوله‌ی شعری که صبغه‌ی دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد، در قلمرو شعر آیینی قرار می‌گیرد. به طور کلی تنها مسأله‌ای که شعر آیینی را از سایر انواع شعر مجزا می‌کند، قلمرو موضوعی آن است. برخلاف بسیاری از صاحب‌نظران که شعر مذهبی را موضوعاً، به دو مقوله‌ی کلی منقبت و مرثیه محدود می‌دانند، آثار اخلاقی و عرفانی چون خمسه‌ی نظامی و سایر متون نظم عرفانی و تعلیمی، و نیز آثار غزل‌سرایان بزرگی چون حافظ، سرشار از رهنمودهای قرآنی و مفاهیم دینی و مقلوه‌های ارزشی‌روایی بوده و بیانگر تأثیرپذیری فراوان آنان از متون دینی است.

موضوعات متنوع شعر فارسی، هر یک به فراخور مضمون قابل‌ارایه و نگرش خاص شاعران، از ابعاد و ویژگی‌هایی برخوردار می‌باشد؛ به عنوان نمونه «ساختار و فرم، فضا، محتوا و درون‌مایه»، در اشعار عاشقانه سبک خاص خود را داراست و در اشعار اجتماعی و سیاسی، حال و هوای یاد شده دیگر گونه است. از این رو در شعرهای آیینی نیز مؤلفه‌های مذکور متناسب با موضوع شعرهای آیینی است. فرم و ساختار (قالب) موضوعات آیینی در سروده‌های کهن، اغلب در چارچوب مثنوی، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند می‌باشد و به کمتر سروده‌ای برمی‌خوریم که در قالب غزل باشد. این در حالی است که در شعر معاصر، علاوه بر بهره‌مندی شاعران از قالب‌های نو «نیمایی، سپید و...» قالب غزل نیز مفاهیم شعر آیینی فارسی را احتوا کرده

است. رباعی، مثنوی و غزل- مثنوی نیز از دیگر قالب هایی است که شاعران معاصر در سروده های آیینی خود از آن استفاده می کنند (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۰۲).

با نگاهی به تاریخ ادبیات مذهبی در ایران، این نکته به خوبی دریافت می شود که ادبیات به ویژه شعر مذهبی از روزگار دور در ارتباط با چگونگی حکومت ها بوده است. تا قبل از دوره ی صفویه، به طور کلی گرایش به شعر مذهبی و سرودن در موضوعات مذهبی بسیار کم بود و آن چه از آثار آن دوره در قالب شعر مذهبی باقی ست، بیشتر نعت پیامبر اکرم (ص)، حضرت علی (ع) و دیگر یاران پیامبر و در مواردی نیز یاد کرد قیام عاشورا است، و عمدتاً به موضوعات دیگر نپرداخته اند.

در دوره ی صفویه به جهت توجه خاص پادشاهان صفوی به مذهب تشیع، شعر مذهبی در ادبیات مورد توجه بیش تر واقع شد. شاعر برجسته ی مذهبی سرای پس از صفویه، محتشم کاشانی بود. روند مذهبی سرایی همچنان تا قبل از روی کار آمدن نادرشاه در ایران ادامه داشت. با حضور نادرشاه در صحنه ی قدرت ایران و با توجه به سنتی مذهب بودن وی، شعر مذهبی فارسی دیگر بار به انزوا گرایید؛ اما با روی کار آمدن حکومت زندیه، اقبال به سرودن شعر مذهبی از سر گرفته شد و کم کم از روزگار مشروطه به بعد پایگاه قدرتمندی نزد شاعران و علاقه مندان پیدا کرد و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به جریانی پویا و قوی در صحنه ی ادبیات مطرح شد (همان: ۱۱۸-۱۲۱).

متأثر از تحولات یاد شده، اگر در گذشته شعر مذهبی پیرامون چند موضوع با ابهام فلسفی مضامین موجود در آن می چرخید، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل تأثیرپذیری از چند عامل، شاعرانی چون؛ علی معلم، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی، قیصر امین پور و... به فلسفه و نگرشی صحیح در مضامین دینی دست پیدا کردند. مطالعات دقیق و عمیق آنان در قلمرو مفاهیم دینی به آنان کمک بسیاری کرد.

پیشینه نظری پژوهش

بحث و تحقیق پیرامون تاریخ تأثیر مضامین مذهبی در شعر و ادب فارسی اعم از آن که با نظم وقایع تاریخی و داستان های تمثیلی مربوط به ائمه (ع) و یا مباحث دلپذیر و مراثی غم انگیز مربوط به آنان همراه باشد، در تاریخ ادبی ما زمینه ای گسترده دارد. این امر مبین ارتباط تنگاتنگ دین و ادبیات در جامعه است و در ادبیات ایران و مخصوصاً محیط خراسان از دیر باز شاعران و نویسندگان بزرگ به باورهای دینی در آثار خود، اهمیت خاصی قائل بودند. در همین راستا، هم در سطح کلان ادبیات به مثابه یک کل و هم در سطح ادبیات یک منطقه پژوهش های گسترده ایی در این رابطه انجام یافته است که بیشتر به صورت جامع مربوط به یک مرحله یا یک دوره و حتی یک شاعر و نویسنده بوده است؛ اما کمتر پژوهشی در راستای تحلیل موضوع مورد نظر ما بوجود آمده است. از این رو و جهت پرهیز از اطناب به برخی از آن ها که به نوعی به این پژوهش مرتبط یا نزدیک هستند، اشاره می شود:

مدرس زاده و محب (۱۳۹۱)، در مقاله ای با عنوان «بازتاب باورهای دینی در شعر شاعران دوره پهلوی دوم»، به بررسی این باورهای دینی در یک دوره پرداخته اند. نگارندگان معتقدند: «سرودن شعر مذهبی - آیینی در ایران از سابقه ای طولانی برخوردار است. سابقه ای به قدمت اشعار کسایی مروزی که بسیاری وی را نخستین سراینده شعر دینی می دانند. سابقه ای به قدمت سرایش اوستا، نخستین سروده دینی ایرانیان. سیر سرودن اشعار دینی، سیری صعودی است و هرچه به دوران معاصر نزدیک می شویم، با وجود جو ضد مذهبی شاهان قاجار و شاهان پهلوی، اما باز هم جلوه اعتقادات مذهبی در شعر کاملاً نمایان است. در دوره پهلوی دوم، شاهد دو حرکت در شعر آیینی هستیم. ابتدا شعر کلاسیک دینی که ادامه همان اشعار دینی شعرای قدیم است، و دیگر ظهور شعر مذهبی در قالب شعر نو».

از جمله کتاب هایی که در حوزه شعررضوی در سال های اخیر به چاپ رسیده است نیز می توان به موارد زیر اشاره کرد:

احمد احمدی بیرجندی (۱۳۷۷) در کتابی با عنوان «مدایح رضوی در شعر فارسی» اشعار و مدایح بسیاری از شعرای فارسی را آورده است

سیدعلی حسینی (۱۳۸۳)، مجموعه شعر «صحن آفتاب» که آثار برگزیده ی دومین جشنواره ی سراسری شعر رضوی است را گردآوری و به چاپ رسانیده است.

محمدجواد محبت (۱۳۸۵)، مجموعه شعر «اشک لطف می کند» را چاپ کرده است. این کتاب دومین جلد از مجموعه شعر در سایه سار آفتاب است. اشعار این کتاب درباره ی وجود مقدس حضرت رضا (ع) است و شاعر در حقیقت وصف حال عاشقانه ی خود را خطاب به امام رضا (ع) بیان می کند.

مجموعه شعر «گریز آهوانه ۲» (۱۳۸۴) آثار برگزیده ی دومین جشنواره ی دانشجویی شعر رضوی است که به چاپ رسیده است.

مظاهر مصفا (۱۳۸۶)، اثری با عنوان «یا ضامن آهو» را با همکاری قیصرامین پور و سهیل محمودی منتشر کرده است. این مجموعه در بردارنده گزیده‌ای از اشعار رضوی است.

محمدجواد غفورزاده (شفق)، سروده هایی بدیع برای کتیبه های حرم بنام «کتیبه خورشید» دارد.

حمیدرضا شکار سری (۱۳۸۶)، مجموعه شعر رضوی «آسمان زیر ابرها» است که توسط انتشارات آستان قدس به چاپ رسانده است.

سید ضیاءالدین شفیعی (۱۳۸۷)، مجموعه شعر «رؤیای هشتم» را چاپ کرده است.

مریم حقیقت، مجموعه اشعار شاعران معاصر در مدح مولای هشتم به نام «کبوترنامه» را گردآوری کرده و شامل اشعاری از شاعران سرشناس و گران مایه ی سراسر کشور چون آیت الله صافی گلپایگانی، قیصر امین پور، علیرضا قزوه، سهیل محمودی، سیدحمیدرضا برقی و محمدجواد آسمان است.

جواد گنج علی، مجموعه ای دو جلدی با نام «گلدسته های عشق» را که شامل مجموعه ای از اشعار جشنواره ی بین المللی امام رضا (ع) است منتشر کرده است.

برگزیده ی شعر معاصر مذهبی در ستایش امام رضا (ع) تحت عنوان «سپیده هشتم» از دیگر عناوین کتاب های است که به همت انتشارات آستان قدس رضوی به چاپ رسیده است.

مجموعه اشعار «هشتاد و هشت شعر رضوی» با مضمون امام رضا (ع) و فرهنگ و سیره ی رضوی که شامل برترین سروده‌های شاعران معاصر کشور در حوزه ی شعر رضوی است و در آن اشعاری از مرحوم قیصر امین پور، استاد علی موسوی گرمارودی، محمدجواد آسمان، بیژن ارژن، جواد اسلامی، طیبه ثابت، سارا جلوداریان، مهدی رحیمی، غلامرضا شکوهی و جواد گنج علی و جمعی دیگر از شاعران نامدار قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش تحقیق ما در این پژوهش روش تحلیلی است و دیدگاه های مذهبی و باورهای آیینی مفاخر و مشاهیر خراسان اسناد پژوهش ما و ابزار آن نیز کتاب‌ها و منابع لازم خواهد بود. به طور کلی می توان گفت مطالعه مستقیم کتب و مقالات مرتبط با موضوع مورد نظر و تحلیل آن ها، روشی است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. در این نوع مطالعه باورهای مذهبی مفاخر و مشاهیر خراسان بر پایه مفاهیم و اصطلاحات مرتبط تحلیل شده‌اند.

پیشینه باورهای دینی در ادبیات فارسی

شعر پدیده ای است هنری که با عواطف، احساسات و تخیلات آدمی رابطه ای مستقیم و ناگسستنی دارد و اگر در خدمت تعالی انسان و تهذیب نفس آدمی قرار گیرد، می تواند بسیاری از خواسته های معنوی او را به کمال رساند و آیین یعنی نمادهای ارزشی و فرهنگی و به طور مشخص منظور دین است. شاعران ادوار گذشته نیز از شعر به عنوان یکی از کارآمدترین ابزارها برای نیل به اهداف خود استفاده می کرده اند، برخی از آنان برای رسیدن به اهداف مادی خود گاه حتی شاهان و امیرانی را تمجید می کردند که هرگز شایسته ی آن نبودند. در این میان شاعرانی نیز بودند که سعی داشتند شعر را از محدوده ی کسب منافع مادی بیرون کشند و آن را با مفاهیم بلند معنوی و الهی درآمیزند. این شاعران، اخلاق، عرفان و فضایل اخلاقی را که بهترین نمونه های آن در اخلاق و سیره ی اهل بیت و امامان معصوم (ع) تبلور یافته است، مورد توجه قرار دادند و فصلی شکوهمند در ادبیات، به نام ادبیات آیینی را بنا نهادند؛ یکی دیگر از عواملی که در ایجاد این فصل شکوهمند مؤثر بود، گرایش ایرانیان به مذهب شیعه و علاقه ی وافر آنان به مکتب اهل بیت (ع) بود که از دیرباز باعث به وجود آمدن آثار فراوانی در حوزه ی نظم و نثر فارسی شده بود (نوریان و خرمندپور، ۱۳۹۳: ۱۹-۲۰).

در قرن چهارم هجری که فاطمیان در شرق ایران نفوذ یافتند، شاعران فارسی، زبان به ستایش آنان گشودند؛ اما ستایش امام رضا (ع) را از شاعران این مذهب نباید انتظار داشت، چنانکه در دیوان ناصر خسرو نیز نامی از امام هشتم (ع) به میان نیامده است؛ با این همه پس از عصر تیموریان و رواج مذهب تشیع، شاعران عارف مسلکی را می بینیم که پاره ای از شعرهای خود را با ستایش امام علی بن موسی (ع) زینت بخشیده اند. در این دوره که شعر برخوردار از الفاظ و مضامین پیچیده و صنایع لفظی شده است، شاعران در اشعار آیینی نیز برخلاف دوره های نخستین که دارای سبکی ساده و استوار بود، گاه معانی را فدای الفاظ می کنند. این شیوه در دوره های زندیه و قاجاریه که دوران بازگشت ادبی است، همچنان ادامه دارد و گاه حتی در سخن معاصران قدیمی تر نیز تأثیر گذاشته است (عاصمی، ۱۳۹۳: ۷۹).

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شعر آیینی فارسی در جریان فکری جدیدی قرار گرفت و از لحاظ محتوایی تغییر و تحولات اساسی یافت که بیش از آن تجربه نشده بود، دین، جان مایه ی تفکر شاعران و در نتیجه محتوای غالب شعر این دوران شد، در مقابل شعر نیز توانست به افق-هایی در کهکشان دین و باورهای آن سیر کند و تصویرهایی تازه از متعلقاتش را برایش به ارمغان آورد، تصویرهایی که گاه برای خود دین باوران نیز تازگی و دلنشینی خاصی داشت و بدین گونه مفاهیم ارزشمند و بلندی چون: جهاد، شهادت، ایثار، گذشت، بعثت، عاشورا، غدیر، انتظار، دعا و... در نگاه شاعران انقلاب، جلوه های متفاوت و نوینی یافت. پیوند مفاهیم آیینی و قالب های نوین شعر امروز فارسی از دیگر کارهایی است که توسط شاعران انقلاب صورت گرفته است؛ شاید برای شاعران پیش از انقلاب تصور این که در این قالب ها نیز می توان شعر آیینی موفق سرود، مشکل بوده است (همان: ۸۰).

بحث اصلی پژوهش

الف) تأثیر باورهای مذهبی بر شاعران خراسان

در لغت نامه دهخدا آمده است که کلمه «خراسان» واژه ای پهلوی است که در متون قدیمی به معنی مشرق (خاور) در مقابل مغرب (باختر) به کار رفته است و در منابع دیگر نیز خراسان در زبان قدیم فارسی به معنی خاورزمین مورد استفاده قرار گرفته است (لغت نامه دهخدا، ذیل خراسان)

شواهد تاریخی بیانگر آن است که سرزمین خراسان در طول تاریخ، هیچ گاه دارای مرز ثابت جغرافیایی نبوده و تحت تأثیر عوامل مختلف، محدوده اش همواره کاهش یا گسترش یافته است. به گونه ای که اکثر مورخان و جغرافی نویسان در این زمینه اشتراک نظر ندارند و قولهای متعددی اظهار کرده اند؛ اما به طور مسلم سرزمین قدیم خراسان به مراتب گسترده تر از خراسان

کنونی بوده و در دوره های قبل و بعد از اسلام به تدریج تغییراتی در مرزهای آن حاصل شده تا به صورت کنونی درآمده است. (رنجبر، ۱۳۶۳: ۱۶).

در این نوشته هرجا سخن از خراسان می رود مراد خراسان بزرگ و باستان است که بلخ، هرات، نیشابور و مرو از زمره استان های بزرگ آن بود که مشتمل خاک های افغانستان کنونی، بخش های خاوری ایران امروز، صحرای ترکمن تا کناره های رود جیحون را در بر می گرفت. مسلم است که زبان دری در دوره پیش از اسلام در ماوراءالنهر و خراسان رایج بوده و یک شبه بدون ریشه و پیشینه در دوره صفاریان و سامانیان بوجود نیامده است. این زبان پیشینه ای چند قرنی داشته است و گر نه امکان نداشت که در مدتی کوتاه سراسر خراسان را فرا گیرد و به عنوان زبان علمی و ادبی که در آن شعر سروده و نثر نگاشته می شد، عرض وجود کند.

پس از آشنایی با محدوده سرزمین خراسان و آشنایی با سابقه ادبیات آیینی و باورهای مذهبی در عرصه های ادبی، باید گفت که ادبیات آیینی از نظر ساختار لفظی و نمای بیرونی و به کارگرفتن انواع سبکها، شگردهای هنری و آرایه های لفظی و معنوی، هیچ فرقی با سایر ادبیات رایج در زبان فارسی ندارد، تنها وجه تمایز آن از جنبه های موضوعی و محتوایی است. در واقع هر متن منثور و یا منظومی که به نحوی متأثر از آموزه های وحیانی قرآن کریم، پیشوایان دینی، کلمات قصار ائمه ی معصومین (ع)، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و ادعیه باشد، در قلمرو موضوعی ادبیات آیینی قرار می گیرد؛ بنابراین دامنه ی ادبیات آیینی و خصوصاً شعر آیینی بسیار گسترده است.

فارغ از این بحث، در زیر به تعدادی از شاعران و مفاخر بزرگ خراسان که باورهای مذهبی در شعر آنان نمود بیشتری داشته است، اشاره می شود. نوع گزینش ما در این فهرست، بر مبنای یک ویژگی برجسته شاعر یا نویسنده است که در ادبیات به آن مشهور و مشتهر است؛ بنابراین ممکن است از لحاظ دیگر کمبودهایی در متن این پژوهش مشاهده گردد که نگارنده سعی در ارائه تصویری جامع از این نوع ادبیات در سرزمین خراسان دارد و این مفاخر و مشاهیر عبارتند از:

حکیم فردوسی طوسی:

در مورد مذهب فردوسی باید گفت که با توجه به تعدادی از ابیات او به نظر می رسد که مذهب فردوسی مذهب شیعه اثنی عشری باید باشد که اکثریت ایرانیان بدان معتقدند. در مورد شعرای شیعه یی مانند فردوسی که ممدوح سنی داشته اند، نیز دو مطلب را باید در نظر گرفت: یکی اینکه ایشان به هنگام یادکرد از پیشوایان مذاهب اهل تسنن برای نگاه داشتن خاطر ممدوحشان احتیاط می کرده اند و ازین پیشوایان با احترام نام می برده اند. دوم اینکه چون شیعه بوده اند احتمال دارد که تقیّه می کرده اند تا مبدا خود را بدست خویش در معرض هلاک قرار دهند.

گذشته ازین دلایل اشارات صریحی به احادیث شیعه در شاهنامه شده است که جای تردید باقی نمی گذارد که فردوسی شیعه خالص دوازده امامی بوده است و هرکس که قصد مکابرت و لجبازی نداشته باشد چاره یی جز اذعان به این واقعیت نخواهد داشت چنانکه ابیات زیر جای تردید در تشیع او باقی نمی گذارند:

به گفتار پیغمبرت راه جوی دل از تیرگی ها بدین آب شوی
 چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی خداوند امر و خداوند نهی
 که من شهر علمم، علیّم در است درست این سخن گفت پیغمبرست
 گواهی دهم کین سخن راز اوست تو گویی دو گوشم بر آواز اوست
 حکیم این جهان را چو دریا نهاد برانگیخته موج ازو تند باد
 چو هفتاد کشتی برو ساخته همه بادبان ها بر افراخته
 یکی پهن کشتی بسان عروس بیاراسته همچو چشم خروس

محمد بدو اندرون با علی همان اهل بیت نبی و وصی
اگر چشم داری به دیگر سرای بنزد نبی و وصی گیر جای
گرت زین بد آید گناه من ست چنین است و این دین و راه من ست
برین زادم و هم برین بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم
(شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۸: بخش ۷-گفتار اندر ستایش پیغمبر)

مضمون دو حدیث معروف درین ابیات قابل تشخیص است. حدیث اول در بیت سوم آمده است. مصراع "که من شهر علمم" فردوسی صریحاً به حدیث معروف "انا مدینه العلم و علی بابها" نظر دارد که هم در کتب عامه و هم در احادیث شیعه وارد شده است اگر فردوسی شیعه دوازده امامی نبود احتیاجی به تصریح اینکه این حدیث چنانکه آمده است گفته ی پیامبر اسلامست نمی داشت. حدیث دومی که درین قطعه وارد شده است این است که: "مثل اهل بیتی مثل سفینه نوح من ركبها نجا". آنچه که بسیار قابل تأمل است اینست که این حدیث به حدیث سفینه نوح معروف است. (مهدوی دامغانی، ۱۳۷۲: ۲۵-۲۸).

ناصر خسرو قبادیانی:

در تاریخ ادبیات ایران، «ناصرخسرو» جایگاهی ویژه دارد؛ او زندگی پر تاب و تب خویش را وقف دفاع و ترویج اندیشه و ایمان خود کرد و در این عرصه پرافت و خیز، سختی های زیادی را تحمل کرد. وی تنها شاعر نیست و شعر برای وی ظرفی است که می تواند از آن بهره دلخواه بگیرد و اندیشه و آرمان خویش را بدان وسیله به مخاطبان منتقل کند و سلاحی است که در جنگ با دشمنان کارآمد است و در همان عالم دینی، متکلمی پرچوش و خروش و مبلغی خستگی ناپذیر است. بدین سبب کلامش را در جای مشخصی باهدف مشخص به کار می برد و آن را در مدح و ستایش، چنان که متداول زمانه بود، به باد نمی دهد.

از آنجا که ناصر خسرو حجت خراسان است، شعر او، سرشار از نمودهای دینی است و آکنده از پیام های فرهنگی و حکمی و اخلاقی که خاستگاه همه آن پندها و پیام ها، درد دینی شاعر است که با گرایش شیعی او نیز آمیخته است. در واقع، ناصرخسرو برای بهشت و دوزخ، قیامت و عذاب، دجال و... معانی باطنی قائل است و بدان باور است که این تاویل ها، جوهره، روح و حقیقت دین است و بایسته و واجب می باشد.

این حکیم نام آور که امروزه از او آثار منثور و منظومی چون دیوان اشعار، وجه دین، زادالمسافرین، روشنایی نامه، خوان اخوان، سعادت نامه و سفرنامه در دست است شعر خود را همواره شعر زهد نامیده است. آنچه روشن است، او در مجموعه آثارش به زهد و تقوای خود افتخار می کند. به همین سبب، دیوان شعر «ناصر خسرو»، گنجینه ای از آیین و فرهنگ شیعه به همراه بن مایه های اسلامی اخلاقی است.

نمونه ای از باورهای مذهبی اسلامی او را می توان در قصیده زیر دید:

گزینم قران است و دین محمد همین بود ازیرا گزین محمد
یقینم که من هر دو ان را بورزم یقینم شود چون یقین محمد
کلید بهشت و دلیل نعیم حصار حصین چیست؟ دین محمد
محمد رسول خدای است زی ما همین بود نقش نگین محمد
مکین است دین و قران در دل من همین بود در دل مکین محمد
به فضل خدای است امیدم که باشم یکی امت کمترین محمد
به دریای دین اندرون ای برادر قران است در ثمین محمد
محمد بدان داد گنج و دینش که او بود در خور قرین محمد

قرین محمد که بود؟ آنکه جفتش نبودی مگر حور عین محمد
از این حور عین و قرین گشت پیدا حسین و حسن سین و شین محمد
حسین و حسن را شناسم حقیقت بدو جهان گل و یاسمن محمد
قران بود و شمشیر پاکیزه حیدر دو بنیاد دین متین محمد
که استاد با ذوالفقار مجرد به هر حربگه بر یمین محمد؟
چو تیغ علی داد یاری قران را علی بود بی شک معین محمد
(دیوان ناصر خسرو قبادیانی، ۱۳۵۷، قصیده ۵۸)

سنایی غزنوی:

سنائی، شاعر و عارف قرن ششم هجری است، وی دوستدار آل علی (ع) بود و قدیمی ترین قصیده ای که در مدح حضرت رضا (ع) در دست داریم، از همین شاعر خراسانی است.

دین را حرمیست در خراسان دشوار ترا به محشر آسان
از معجزهای شرع احمد از حجت های دین یزدان
همواره رهش مسیر حاجت پیوسته درش مشیر غفران
چون کعبه پر آدمی ز هر جای چون عرش پر از فرشته هزمان
هم فر فرشته کرده جلوه هم روح وصی درو به جولان
از رفعت او حریم، مشهد از هیبت او شریف، بنیان
از دور شده قرار زیرا نزدیک بمانده دیده حیران
از حرمت زایران راهش فردوس فدای هر بیابان
(دیوان سنایی غزنوی، ۱۳۶۲، قصیده ۱۳۹)

ابن یمین فریومدی:

ابن یمین در اواخر قرن هفتم هجری در فریومد خراسان متولد شد، وی شاعری متوسط و تا حدی پیرو انوری بود، او شاعری شیعی مذهب بود، قرآن و حدیث در شعر او تاثیر آشکاری داشته است. قصایدی در ستایش ائمه اطهار علیهم السلام، بالخصوص علی بن ابی طالب علیه السلام دارد و از نخستین شعرایی است که مرثیه هایی در سوگ شهدای کربلا سروده است. ابیات زیر در وصف حضرت رضا علیه السلام نمونه ای از اشعار او در مدح اهل بیت عصمت و طهارت است:

گوهر افشان کن ز جان ای دل که می دانی چه جاست
مهبط نور الهی روضه پاک رضاست
دَر درِیای فتوت گوهر کان کرم
آنک شرح جود آباء کرامش هل آتاست
ظلمت و نور جهان عکسی ز موی و روی اوست
موی او واللّیل اذا یغشی و رویش والضّحاست
قبه گردون ندارد قدر خاک درگهش
یا رب این فردوس اعلی یا مقام کبریاست؟
سرمه ای از خاک پای او کشیدست آفتاب
موجب این دانم که عینش منبع نور و ضیاست
(ابن یمین، ۱۳۱۸: ۱۰)

عبدالرحمن جامی:

نور الدین عبدالرحمن جامی، شاعر و نویسنده ی معروف ایرانی که به مناسبت مولد خویش (جام) و نیز به سبب ارادت باطنی به شیخ الاسلام احمد جامی، جامی تخلّص می کرد، از جمله آثار او می توان به دیوان اشعار، هفت اورنگ، نفعات الانس، بهارستان، نقدالنصوص فی شرح نقش الفصوص اشاره کرد.

جامی، شاعر فرهیخته و آزاد اندیشی است که علی رغم خلق آثار ادبی از مودت و دوستی خاندان پیامبر غافل نبوده و عاشقانه و خردمندانه، توانسته احساسات خود را بیان کند. با تامل در آثار او، نه تنها شیفتگی و دلدادگیش به خاندان پیامبر هویدا می شود که کوشش کرده است، فضایل و مناقب آن ها را در خلال سروده هایش بیان کند. به همین دلیل، گاهی قصایدی جدا در منقبت آنان سروده و گاهی در قالب یک حکایت به فضیلت های اخلاقی آن ها اشاره کرده است. به عنوان نمونه شعر زیر در منقبت علی بن موسی الرضاست:

ستلامّ علی آل طه و یاسین سلامّ علی آل خَیر النَّبیین
سلامّ علی روضهٔ حلّ فیها امامّ یباهی به المُلک و الدّین
امام به حق شاه مطلق که آمد حریم درش قبله گاه سلاطین
شه کاخ عرفان، گل شاخ احسان دُر دُرچ امکان مه برج تمکین
علی بن موسی الرضا کز خدایش رضا شد لقب چون رضا بودش آیین
ز فضل و شرف بینی او را جهانی اگر نبوّت تیره چشم جهان بین
پی عطر رویند حوران جنت غبار دیارش به گیسوی مشکین
اگر خواهی آری به کف دامن او برو دامن از هر چه جز او ست درچین
چو جامی چشد لذّت تیغ مهرش چه غم گر مخالف کشد خنجر کین
(جامی، ۱۳۸۹: ۹۳)

شعر رضوی، برجسته ترین موضوع ادبیات آیینی خراسان:

شعر رضوی اختصاص به امام رضا (ع) دارد. شاعران در این نوع شعر به وصف برجستگی های اخلاقی، کرامات، شیفتگی و ابراز عشق نسبت به امام علی بن موسی (ع)، غریبی و غریب نوازی این امام همام و ... می پردازند. متأسفانه، در دیوان های شاعران پارسی گوی ما تا زمان تیموریان و صفویان اشعار رضوی بسیار اندک است، از زمان تیموری و به ویژه از زمان صفویان که شیعه با استظهار به قدرت مرکزی، آزادی عمل و عقیده یافت و به زیارت بارگاه ملکوتی حضرت رضا (ع) نائل گردید، چامه های بلند و مدایح ارجمندی درباره ی آن حضرت سروده شد. البته بعد از انقلاب اسلامی ایران و احیای ارزش ها و باورهای عمیق اسلامی، شعر رضوی توانست در این بستر آماده، جریان تازه ای را آغاز کند (فلاح، ۱۳۸۹: ۷۱).

سیمای امام رضا (ع) در شعر فارسی به دو صورت تجلی می یابد: اشاره به نام مقدّس ایشان به گونه ای که از خلال آن بزرگی و کمال امام (ع) و ارادت و علاقه ی شاعر کاملاً آشکار است. ستایش وجود مقدّس ایشان یا تربت مبارکشان که نشان از ایمان گوینده و مراتب باور و اعتقاد او به سلاله ی رسول خداست. شاعران معاصر امام رضا (ع)، با الفاظی رسا و زیبا در اشعار خود به فضائل و مناقب آن حضرت اشاره نموده اند، از جمله این شاعران می توان به دعبل خزاعی، ابونواس اهوازی و ابراهیم بن عباس صولی اشاره کرد. دعبل خزاعی: دعبل خزاعی در سال ۱۴۸ هجری در کوفه متولد شد، او شاعری خوش طبع، دارای بینشی عمیق و شیعی مذهب بود که اشعار زیادی در مورد اهل بیت (ع) سرود. دعبل در فضائل آل علی (ع)، رثای امام حسین (ع) و امام رضا (ع) سروده های بسیاری بر جای نهاده است. وی «قصیده ی رائیه» خود را در سوگ امام رضا (ع) سروده است (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۴).

ابراهیم بن عباس الصولی شاعر و نویسنده ی ایرانی تبار که در سال ۱۷۶ هجری در بغداد به دنیا آمد، در همان جا رشد و نمو کرد و در سامرا در سال ۲۴۳ هجری از دنیا رفت. مداح اهل بیت بود و به تشییع گرایش داشت و در مدح امام رضا (ع) اشعاری عالی سرود (همان). در شعر فارسی، قدیم ترین منقبتی که برای امام رضا (ع) سروده شده است قصیده ای است از سنایی با مطلع: دین را حرمی است در خراسان / دشوار ترا به محشر آسان (همان: ۴۵)

احمد احمدی بیرجندی کتابی با عنوان «مدایح رضوی در شعر فارسی» تألیف کرده است و در آن اشعار و مدایح بسیاری از شعرای فارسی از جمله سنایی، حسن کاشی، ابن یمین، ناصر بخارایی، عصمت بخاری، خواجه اوحید سبزواری، ابن حسام خوسفی، عبدالرحمان جامی، بابا فغانی، فضولی بغدادی، وحشی بافقی، نظیری نیشابوری، طالب آملی، صید طهرانی، جويا کشمیری، حزین لاهیجی، صباحی بیگدلی، صبای کاشانی، خالد نقشبندی، خاور دنبلی، صحبت لاری، وصال شیرازی، قآنی شیرازی، سروش اصفهانی، همای شیرازی، مشتاقی نائینی، روشن اردستانی، شهاب شوشتری، جیحون یزدی، فنا تفرشی، صبوری کاشانی، حکیم صفای اصفهانی، طرب شیرازی، ادیب الممالک، قنبر طبسی، ذوقی اصفهانی، ادیب نیشابوری، ضیائی، غمگین اصفهانی، امیرالشعرا نادری، کمپانی، ملک الشعراى بهار، مقصود کرمانی، شهاب تربتی، صابر همدانی، علامه مازندرانی «صالح»، صغیر اصفهانی، رهی معیری، بدیع الزمان فروزانفر، آیتی بیرجندی، الهی قمشه ای، قاسم رسا، گلزار اصفهانی، ناظر زاده کرمانی، امیری فیروزکوهی، مدرس صادقی، سید محمدعلی ریاضی یزدی، خلیلی افغانی، محمود والانژاد، مهدی خلیلی، علی اکبر پیروی، غلامرضا قدسی، گلشن کردستانی، احمد کمال پور، علی باقرزاده، محمدحسین بهجتی «شفق»، صاحبکار، خزائلی، علاء الدین حجازی، نصرالله مردانی، عبدالله حسینی و عاشق اصفهانی را در وصف حضرت علی بن موسی الرضا (ع) مورد بحث و بررسی قرار داده است.

جهت پرهیز از اطناب در ذیل به شعر یکی از شاعران رضوی در حیطه ادبیات دینی شاعران خراسان در دوران معاصر اکتفا می شود:

سیدحمیدرضا برقعی

سید حمیدرضا برقعی (متولد سال ۱۳۶۳) در چند کنگره ی شعر، مقام اول را کسب کرد، مدتی دبیر انجمن شعر قم بود. مدت دو سال در حوزه درس خواند و پس از آن مشتاق ادامه ی تحصیل در رشته ی ادبیات شد. پدربزرگش شاعر بود و او نیز علاقه ی فراوانی به شعر و شاعری داشت بنابراین اولین شعرش را در ۱۵ سالگی سرود. بیشتر اشعار برقعی در حوزه ی ادبیات آیینی جای می گیرد.

ای راهب کلیسا دیگر مزن به ناقوس خاموش کن صدرا، نقاره می زند طوس
 آیا مسیح ایران کم داده مرده را جان جانی دوباره بردار با ما بیا به پابوس
 آنجا که خادمینش از روی زائرنش گرد سفر بگیرند با بال ناز طاووس
 خورشید آسمان -ها در پیش گنبد او رنگی ندارد آری چیزی شبیه فانوس
 رویای ناتمامم ساعات در حرم بود باقی عمر اما افسوس بود و کابوس
 وقتی رسیدی آنجا در آن حریم زیبا زانو بزنی به پای بیدار خفته در طوس...

ب) تاثیر باورهای مذهبی بر نویسندگان خراسان

بررسی پیشینه جایگاه دین در قلمرو شعر و ادبیات فارسی، پژوهشی گسترده را طلب می کند. با نگاهی گذرا به آثار بزرگان ادبیات و شعر، در می یابیم که بسیاری از اشارات، عبارات، تعبیرات و استدلال های آنان به اقتباس یا الهام از کتاب مبین قرآن، سخنان پیامبر (ص) و یا احادیث ائمه (ع) است. مفاهیم دینی و به ویژه مفاهیم قرآن مجید در مراحل مختلف حیات فردی و

اجتماعی مسلمانان تأثیر پنهان و آشکار، مستقیم و غیرمستقیم داشته است. بعد از مقوله های پرستش، عبادت و خدااباوری، مؤلفه هایی همچون عدالت محوری، ظلم ستیزی، دنیاگریزی، برابری و جز آن همواره مورد نظر ادیبان بوده است. (ممتحن و محمدی، ۱۳۹۱: ۱۰۶).

مقدمه کهن شاهنامه، معروف به شاهنامه ابومنصوری و ترجمه تفسیر طبری به فارسی و نیز دست نوشته هایی از این قبیل، نشان می دهد که کهن ترین نمونه های نثر فارسی همچون شعر آن، دارای صبغه و رویکرد اسلامی است و این ادعا که فارسی دری، در شعر و نثر خویش به عنوان ادبیاتی اسلامی جلوه گر شد، چندان غیرقابل توجیه و دور از انصاف به نظر نمی رسد؛ اما به هر ترتیب فرهنگ ایرانی مقارن با قرون نخستین اسلامی تحت تأثیر آموزه ها و اندیشه های اسلامی قرار گرفته و از آن تأثیر پذیرفته است.

از همان قرون نخستین، واژه هایی از قبیل آیت، اذان، ایمان، ثواب، جهاد، حلال، حرام، صلاه، صوم، عقاب، غیبت، قضا و قدر، کافر، مسجد، مسلم، حاکم، بیت المال، امیرالمؤمنین، جزیه، حاکم، محتسب، والی و جز آن به جای واژگان فارسی یا همراه با آن در زبان و ادبیات فارسی رواج یافت و با تداوم این داد و ستد ادبی و فرهنگی، جایگاهی محکم برای خود پیدا کرد. (همان: ۱۰۸). نثر فارسی نیز همانند شعر آن فراوان از مضامین دینی برخاسته از قرآن و حدیث تأثیر پذیرفته است که به چند نمونه مشهور و برجسته آن اشاره می گردد.

کشف المحجوب جلابی هجویری

این کتاب که به سال ۴۴۲ هـ ق. توسط ابوالحسن هجویری تألیف شده، از جمله قدیمی ترین آثار به جای مانده به زبان فارسی و احتمالاً قدیمی ترین متن فارسی در تصوف است. نثر کتاب ساده و دلنشین است، و حکایت هایی از معصومین (ع) در آن مندرج است.

تفسیر سوراآبادی

تفسیر سوراآبادی یا قصص قرآن مجید از ابوبکر عتیق نیشابوری، از دیگر کتب به جای مانده از قرن پنجم است، که مضمونی دینی دارد. در این کتاب نیز داستان ها و حکایت هایی از کودکی معصومین (ع) آمده است.

سیاست نامه خواجه نظام الملک طوسی

نظام الملک طوسی در خانواده ای متدین متولد شد و از همان سنین نوجوانی به آموختن قرآن و زبان عربی پرداخت. وی اثر جاویدش، سیاست نامه، را در پنجاه فصل به عنوان دستور نامه ای جهت اداره ی مملکت و سیرت پادشاهان انشا کرده و در تأیید آن، از آیات و احادیث و قصه ها استفاده کرده است.

ابوالفضل بیهقی

تاریخ مسعودی بیانگر تاریخ سلطنت مسعود غزنوی و کتابی سودمند در حقایق و مسائل تاریخی و اطلاعات جغرافیایی دوره غزنوی است؛ که در این کتاب، نویسنده از آیات قرآن بیشتر به عنوان تضمین و به صورت جملات معترضه بهره برده است.

کلیله و دمنه نصراله منشی

کلیله و دمنه، توسط نصرالله منشی در قرن ششم هجری قمری به فارسی ترجمه شده و در آن احادیث و حکایت های اسلامی به کار رفته است چنان چه به شیوه معمول، کتاب با مدح رسول اکرم (ص) آغاز می شود و به اقتضای سخن، باوذهای دینی آورده شده است.

بهارستان جامی

بهارستان جامی، از دیگر کتاب‌های مهم ادبیات فارسی است. این کتاب را عبدالرحمن جامی در سال ۸۹۲ هجری قمری برای آموزش پسر نوجوانش و به تقلید از «گلستان» سعدی تصنیف کرد. در «بهارستان» حکایتهای فراوانی با حضور اهل بیت (ع) دیده می‌شود. از آن جمله است حکایت دوستی معاویه و عقیل بن ابی طالب و سخنان معاویه در ستایش و منقبت اهل بیت رسول‌الله (ص)، حکایتی در مذمت ظلمهای حجاج بن یوسف و صحبت‌هایش با عربی بیابانی، که در مقابل او به مدح امیرالمؤمنین (ع) می‌پردازد؛ و حکایتی درباره سخاوت عبدالله بن جعفر.

خاوران نامه ابن حسام خوسفی بیرجندی

خاوران نامه سروده ابن حسام خوسفی نیز، از کتاب‌های مهم دینی در میان مردم ایران بوده است. این کتاب که در سال ۸۳۰ هجری قمری سروده شده است، منظومه‌ای حماسی درباره جنگ‌های خیالی امیرالمؤمنین علی (ع) و مالک اشتر و یک یار ایشان به نام ابوالمحجن، در شرق است. در این افسانه، حضرت علی (ع) به جنگ قباد، پادشاه خاور، و تهماسب شاه و صلصال شاه، سپاه دیوان، ازدها، قوم یاجوج و ماجوج و لشکر جنیان می‌رود، و آنها را شکست می‌دهد. این کتاب لبریز از صحنه‌های خیالی و اغراق و غلو است.

حمله حیدری باذل مشهدی

حمله حیدری از مهم‌ترین داستانهای مذهبی فارسی است. این کتاب را باذل خراسانی، که از درباریان حکومت گورکانی هند بود، در وصف دلاوری‌های حضرت علی (ع)، به سبک شاهنامه سرود. این کتاب در سال ۱۱۲۳ هجری قمری با مرگ باذل ناتمام ماند؛ و بعدها بیش از ده متمم یا مشابه، براساس کتاب او، سروده شد. همچنین، کتاب او به زبانهای ترکی، سندی، اردو و گجراتی ترجمه شد، و بر اثر آن، شغلی به نام «حمله‌خوانی» پدید آمد. مردم در طول سال حمله‌خوانی می‌کردند و در عزاداریها، روضه‌خوانی. کتاب باذل چنان ساده و جذاب بود که عملاً به یکی از متون نوجوانانه بدل شد.

نتیجه‌گیری:

ادبیات به طور عام و شعر به طور خاص، در همه ادوار در بین تمام ملل یکی از بهترین شیوه‌ها برای پرستش بوده است، نثر و به خصوص شعر چه از جنبه صوری و چه از جنبه معنوی بهترین شیوه سخن گفتن از موضوعات مذهبی به شمار می‌رود. بسیاری از شاعران برجسته فارسی از جمله فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، ابن یمن، جامی و ... در بیان اندیشه و شعر خود از عناصر و مضامین دینی سود جسته‌اند. تضمین و تلمیح به مضامین دینی و قرآنی در شعر فارسی نخست با اشاره مستقیم به آیات و احادیث آغاز می‌شود، سپس با بهره‌گیری از درونمایه‌های عرفانی و حکمی و درهم تنیدن آن در آفرینشهای شعری به اوج خود می‌رسد. نثر فارسی نیز از همین شیوه پیروی می‌نماید و مقاله حاضر با اشاره به چند نمونه‌ی برجسته و پیشگام آن، تأثیر این مضامین را در ذهن و اندیشه آفرینندگان این نمونه‌ها دنبال می‌نماید؛ بنابراین در بررسی سیر تأثیر باورهای دینی در ادبیات مشاهیر خراسان باید گفت که توجه به مقولات مقدس دینی و اسطوره‌های اعتقادی، وسعت و عمق بیشتری به شعر شاعر می‌بخشد و شاعر می‌تواند با بهره‌گیری از عناصر ارزشمند و والایی که ریشه در اصالت‌های دینی و ملی او دارد، به اندیشه و شعر خود غنا بخشد.

منابع و مأخذ:

۱. قرآن مجید
۲. ابن یمن فریومدی، محمود بن محمد طغرایی، ۱۳۱۸، کلیات اشعار ابن یمن با تصحیح و مقدمه مرحوم سعید نفیسی، تهران: کتابفروشی مروج.
۳. احمدی بیرجندی، احمد و تقوی زاده، علی، ۱۳۷۷، مدایح رضوی در شعر فارسی، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۴. جامی، نورالدین عبدالرحمان، ۱۳۸۹، دیوان جامی، تصحیح محمدروشن، انتشارت نگاه.
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا؛ زیر نظر محمد معین وسید جعفر شهیدی، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. رنجبر، احمد، ۱۳۶۳، خراسان بزرگ، چاپ اول، تهران، امیرکبیر.
۷. سنایی، محدود بن آدم، ۱۳۶۲، دیوان حکیم سنایی غزنوی. به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی
۸. عاصمی، طیبه، ۱۳۹۳، نگاهی به ادبیات آیینی با تکیه بر اشعار کتب ادبیات فارسی دوره متوسطه. فصلنامه رشد زبان و آموزش ادب پارسی، ش ۱۱۲، صص ۷۹-۸۰.
۹. فردوسی، ابوالقاسم. ۱۳۸۸، شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی. جلد اول: از دیباچه تا پادشاهی کیقباد. به تصحیح و توضیح واژه ها و معنای ابیات کاظم برگ نیسی، تهران: شرکت انتشاراتی فکر روز.
۱۰. فلاح، ابراهیم، ۱۳۸۹، سیمای امام رضا (ع) در اشعار شعرای شیعی معاصرش، دانشنامه، ش ۷۹، صص ۷۱-۸۲.
۱۱. محدثی خراسانی، زهرا، ۱۳۸۸، شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۱۲. محمدپور، اسماعیل، ۱۳۸۷، بر موج آهو (گذاری در آسمان زیر ابرها مجموعه شعر رضوی حمید رضا شکار سری)، شعر، ش ۶۳، صص ۴۲-۴۵.
۱۳. مدرس زاده، عبدالرضا؛ محب، زهره، بهار ۱۳۹۱، بازتاب باورهای دینی در شعر شاعران دوره پهلوی دوم، تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، بهار ۱۳۹۱، دوره، شماره ۱۱، صص ۲۹ تا ۵۰.
۱۴. ممتحن، مهدی؛ محمدی، گردآفرین، پاییز ۱۳۹۱، بررسی تجلی و حضور مضامین دینی در ادبیات فارسی پیش از قرن هفتم، ادبیات دینی، دوره ۰۱، شماره ۲، صص ۱۰۵-۱۲۴.
۱۵. موسوی گرمارودی، سیدمصطفی، ۱۳۸۳، نگاهی دوباره به اولین مدیحه رضوی در شعر فارسی، گلستان قرآن، ش ۱۹۳، صص ۴۵-۴.
۱۶. مهدوی دامغانی، احمد، بهار ۱۳۷۲، مذهب فردوسی، مجله ایران شناسی، شماره ۱۷، صص ۲۰ تا ۵۳.
۱۷. ناصرخسرو. ۱۳۵۷، دیوان اشعار حکیم ناصرخسرو قبادیانی. به اهتمام مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، کانادا، مونترال: موسسه مطالعات اسلامی.
۱۸. نوریان، سیدمهدی؛ خرمندپور، مسعود، ۱۳۹۳، مضامین تعلیمی در شعر آیینی، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ش ۲۳، صص ۱۷-۳۸.

Investigating the impact of Religious Beliefs on the Literature of Khorasan's Celebrities and Figures

Leila Dehghanzad*

Corresponding Author, Department of Persian and Language, Rasht Branch, Islamic Azad University, IRAN

Abstract

The purpose of this article is to investigate and analyze the impact of religious beliefs on the literature of Khorasan's figures and celebrities. In the Persian literature, this impact is clearly seen and many of the great poets of Iran in general and Khorasan in particular, such as Ferdowsi, Nasser Khosrow, Sanai, Jami and others in poetry, as well as famous writers such as Beyhaqi, Hojaviri, Khaje Nasir, Nasrollah Maneshi, Ibn Hessam, Bazel Mashhadi and ... have used religious themes and elements in their prose to explain their thoughts and they have not limited themselves to a particular sect, but there are also poets who have used their ideas and religion in poetry like Nasser Khosrow. In this article, we examine the works of these elders and figures of Khorasan and examples of the manifestation and presence of religious concepts in their poems and writings. The result of this research shows that Khorasan's figures and celebrities have had a great influence on the development of religious beliefs in Persian literature, which is why the Khorasan region has a high status in Persian literature, and great poets and writers from the beginning of the Persian language development to Today have been influenced by the culture and civilization of the great Khorasan.

Keywords: Celebrities and Figures, great Khorasan, Persian literature, religious beliefs, order and prose.
